

Legal restrictions on the operation of commercial companies in free zones.

Mohammad Farzan Hossein Nakhei^۱

1- Law MA. Shahid Bahonar Kerman University

Abstract.

Free commercial-industrial zones are a part of the territory of a country where the entry and exit of goods are carried out without paying customs duties. In Iran, Free Trade Zones were established in 1372 AH, and we believe that the limits of commercial companies' activities in the said areas should be clearly defined so that we can check the quality of investment in the said areas in a special way. The current research is of fundamental type and library tools will be used to collect its information. The findings and results obtained from this research are that: in the legal system governing the activities of these regions, as well as in the relations between foreign investors and government institutions, there is no reliable dispute resolution and conflict resolution - in contractual and non-contractual disputes - that foreign investors In most cases, they have to refer to local courts or dispute resolution councils and even internal arbitration authorities to resolve the dispute, which threatens the violation of rights and biases or influence of the owners of interests. Among the other threats to foreign investment, which causes capitalists to be reluctant to invest, is the risk of expropriation and nationalization of foreigners' property or deportation and confiscation of their property. Available for investor companies registered in free zones, protective regulations regarding import and export should not be mentioned in general, as well as guarantees for the exit of profit and benefit from the capital, outside the zone..

Keywords : Economic free zones, commercial companies, legal restrictions, commercial-industrial free zone.

^۱ Email: Mfarzan@gmail.com

محدودیت‌های حقوقی کارکرد شرکت‌های تجاری در مناطق آزاد

محمد فرزنان حسین نخعی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

چکیده

مناطق آزاد تجاری-صنعتی به بخشی از قلمرو یک کشور گفته می‌شود که در آن ورود و خروج کالا، بدون پرداخت عوارض گمرکی انجام می‌گیرد. در ایران نیز مناطق آزاد تجاری در سال ۱۳۷۲ ه.ش بنیاد نهاده شدند که بر آن هستیم، محدودیت‌های فعالیت شرکت‌های تجاری در مناطق یاد شده بطور واضح مشخص گردد تا با ارائه طریق بصورت خاص کیفیت سرمایه‌گذاری در مناطق مذکور را بررسی نماییم. پژوهش حاضر از نوع بنیادی است و از ابزار کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات آن استفاده خواهد شد. یافته‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش عبارت‌اند از اینکه: در نظام قانونی حاکم بر فعالیت این مناطق و همچنین در روابط بین سرمایه‌گذاران خارجی با نهادهای دولتی، حل اختلاف و رفع تعارض قابل اعتمادی - در اختلافات قراردادی و غیر قراردادی - وجود ندارد که سرمایه‌گذاران خارجی در اکثر مواقع ناگزیرند جهت حل اختلاف به دادگاه‌های محلی یا شوراهای حل اختلاف و حتی مراجع داوری داخلی مراجعه نمایند که بیم تضییع حق و جانب‌گیری‌ها یا نفوذ صاحبان منافع می‌رود. از دیگر تهدیدهایی که متوجه سرمایه‌گذاری خارجی بوده که موجب عدم اشتیاق سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری می‌گردد، خطر سلب مالکیت و ملی کردن دارایی خارجی‌ان یا اخراج و توقیف اموال آنان است، ولیکن فارغ از معایب فوق، عدول از مراتب انصاف شایسته نیست که از مزایای موجود برای شرکت‌های سرمایه‌گذار ثبت‌شده در مناطق آزاد، مقررات حمایتی در خصوص واردات و صادرات بصورت کلی و همچنین تضمیناتی جهت خروج سود و نفع حاصل از سرمایه، به خارج از منطقه نام برده نشود.

واژگان کلیدی: مناطق آزاد اقتصادی، شرکت‌های تجاری، محدودیت‌های حقوقی، منطقه آزاد تجاری-صنعتی.



^۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد پیوسته، معارف اسلامی و حقوق، گرایش حقوق خصوصی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران.

مقدمه

گاهی اوقات کشورها بنا به مصالحی ناچار به ایجاد رژیم حقوقی دوگانه در سرزمین خود می‌باشند، مناطقی از خاک خود را از سرزمین اصلی جدا نموده و مقررات سهل‌گیرانه تری برای آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند. ایجاد این دوگانگی هرچند می‌تواند موجب بروز مشکلاتی گردد با این حال به دلیل مزایای بسیار، کشورها از معایب چشم‌پوشی نموده و از مزیت نسبی آن بهره‌مند می‌گردند. ایجاد چنین مناطقی که در این نوشتار به‌طور عام مناطق آزاد نامیده می‌شوند، از جمله ابزارهای توسعه اقتصادی هر کشور است که می‌تواند موجب جذب سرمایه، انتقال فناوری، آموزش نیروی انسانی، افزایش توان مدیریت علمی هم راستا با نظم نوین جهانی و نهایتاً ایجاد دروازه‌های ورود به بازارهای جهانی گردد.

بنا به تعاریف قوانین نمونه جهانی و کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد؛ منطقه آزاد اقتصادی، تجاری-صنعتی، آن محدوده حراست شده بندری و غیر بندری است که از شمول و حکومت برخی از مقررات خاص سرزمین مادر و یا دولت متبوع، خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایای اعطایی حکومت نظیر: معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات ارزی و بروکراسی نظام اداری، و با سهولت بخشیدن در فرآیند صادرات و واردات، جذب سرمایه‌گذارهای خارجی، مدیریت بازرگانی و نتیجتاً گسترش مراودات اقتصادی؛ به توسعه کشور متبوع و اداره هرچه بهتره نظام مبادلات بازرگانی جهانی و بین‌الدولی بیانجامد. ولیکن پر واضح و مسلم بوده و هست که در کنار امور فوق، برای بهبود روند و کارکرد هر نهاد یا نظام سرزمینی، منطقه ای یا ناحیه‌ای؛ صرف حمایت‌های دولتی کافی نبوده بلکه عواملی چون قابلیت و توانایی‌های سازمانی، منابع درون مرزی، شایستگی‌های مدیریتی، دورانگاره و چشم اندازهای ایدئولوژیک، استراتژی‌های فرهنگی و بومی و دستورالعمل‌های دقیق و صریح، لازم و موثرند.

ازین راستا در ایران نیز، بر منطقه‌های آزاد تجاری، پیرو برنامه‌های چندگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین قانون ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ ه.ش و متمم ۱۳۶۸؛ در مناطق آزاد تجاری حکومت قانون «چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۷۲ ه.ش برقرار است که مقررات اجرایی و مدیریتی و از جمله ضوابط ثبت شرکت‌ها در مناطق آزاد در خصوص فعالیت‌های تجاری-اقتصادی، تابع مقررات خاص قانون اخیرالذکر قرار گرفته است که خود، تعریف و تنظیم امور گمرکی، بازرگانی، اشتغال و کار، بیمه و تامین اجتماعی، حمل و نقل و سایر نهاد های ذی ربط را شامل می‌گردد.

در خصوص حاکمیت سرزمینی قانون یاد شده، ابتدا سه منطقه ی کیش، قشم و چابهار به عنوان مناطق آزاد پیش بینی شده بود، لیکن از سال ۱۳۸۲ ه.ش به بعد مناطقی از جمله آبادان، خرمشهر و بندر انزلی نیز بعنوان مناطق آزاد تجاری و اقتصادی تعیین گردید که در حال حاضر مناطق آزاد اروند و ارس نیز از مناطق شناخته شده ی اقتصادی در غرب و شمال غربی کشور میباشند. اما در ادامه باید اذعان داشت که رشد اقتصادی هر کشوری و از جمله ایران، جدا از فعالیت های اقتصادی و بازرگانی با تمام زیرشاخه و متعلقات ان، در گرو هم‌گرایی با قوانین متحدالشکل جهانی است که با توجه به محدود بودن قوانین حاکم بر مناطق اقتصادی، نظر به اینکه در این مناطق تاکنون چندین هزار شرکت تجاری و بازرگانی تحت حکومت و عموماً قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ه.ش و قانون شرکت‌های سهامی (معروف به لایحه ۴۷ قانون تجارت) مصوب ۱۳۴۷ ه.ش به ثبت رسیده و مفروضاً، به عنوان تاجرین فعال و بازرگانانی با شخصیت حقوقی مستقل و قانونی مشغول به انجام امور بازرگانی و تجاری می‌باشند؛ چند پرسش اصلی و فرعی مطرح می‌گردد.

۱- ماهیت مناطق آزاد

منطقه آزاد تجاری، منطقه‌ای محدود و مشخص و گاه محصور و مستقر در یک بندر، یک جزیره و یا یک منطقه ی مرزی و فرودگاه است که مواد خام و کالاهای نیمه ساخته یا محصولات ساخته‌شده با امتیازات ویژه وارد آن شده و انبار می‌شوند. مواد خام یا کالاهای نیمه

ساخته را می‌توان تبدیل به کالاهای دیگر کرده و به همراه کالاهای ساخته‌شده دیگر طبق شرایطی آسان دوباره صادر کرد. بعنوان مثال منطقه آزاد تجاری را می‌توان به سفارتخانه یک کشور خارجی در داخل یک کشور تشبیه کرد که به وسیله حصار یا سیم‌خاردار محصور شده و به وسیله نگهبانان مسلح کنترل و مراقبت می‌شود. طبق مقررات بین‌المللی هیچ‌کس حق مداخله در امور داخلی این محدوده محصور (سفارتخانه یک کشور خارجی) را ندارد.^۱

کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیای غربی،^۲ مناطق آزاد تجاری را نواحی ای می‌داند که در آن‌ها کالا انبار می‌شود و بدون دگرگونی قابل‌توجه در آن، دوباره به کشور میزبان یا سایر کشورها صادر می‌گردد. بنابراین، ویژگی برجسته مناطق آزاد تجاری این است که برای کالاهای داخلی کشور میزبان، مالیات در نظر گرفته نمی‌شود و سایر محدودیت‌های تجارت خارجی در واردات و صادرات نیز بر مناطق مذکور اعمال نمی‌گردد.^۳ به عبارت دیگر، منطقه آزاد تجاری، قلمرو معینی است که اغلب در داخل یا مجاورت بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز دانسته می‌شود. از این مناطق می‌توان کالا را بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی صادر یا وارد کرد، برای مدتی در انبار ذخیره نمود و در صورت لزوم، بسته‌بندی و دوباره صادر کرد. از این رو، تعاریف گوناگونی از مناطق آزاد تجاری به عمل آمده و وجه اشتراک تعاریف مختلف این است که در این مناطق، محدودیت‌های مختلف در زمینه‌ی موانع گمرکی و تجاری، شرایط سرمایه‌گذاری و تملک خارجی‌ان نسبت به سایر مناطق کشور کمتر است یا اساساً وجود ندارد و این مناطق به‌عنوان محرکه‌ای در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی

^۱ - حدادی، مهدی، شیوه‌های حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۳۰.

^۲ - Economic and Social Commission for Western Asia

^۳ - رهنورد، فرج‌الله، منبع پیشین، ص. ۴۷. به نقل از: Grubel, H. (1984) Free Economic Zones: Good or Bad Aussenwirtschaft, 39, Jahrgang

می‌گردد.^۱ منطقه آزاد می‌تواند به شکل منطقه آزاد تجاری، منطقه آزاد صنعتی، منطقه آزاد تجاری - صنعتی و غیره باشد. گرچه منطقه آزاد تجاری درون مرزهای ملی قرار دارد، اما از نظر مالی و اقتصادی خارج از مرز در نظر گرفته می‌شود.^۲

۲- اهداف تشکیل مناطق آزاد

به طور کلی مناطق آزاد و خصوصاً مناطق آزاد ایران بر اساس تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به اهدافی مانند تسریع در اجرای امور زیرساختی، سازندگی، رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات کالاها ایجاد شد و از آنجایی که امکان حذف محدودیت‌های فراوانی که در سال‌های نخست انقلاب و دوران جنگ، بر اقتصاد ایران تحمیل شده بود، به آسانی و یک‌باره وجود نداشت؛ بنابراین، برای رفع محدودیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری و توسعه صادرات، شکل‌گیری مناطق آزاد مورد توجه مسئولان قرار گرفت.^۳

باید اذعان داشت که ایجاد منطقه آزاد از جمله ابزارهای توسعه اقتصادی است که در صورت موفقیت می‌تواند دستاوردهای زیادی برای کشورهای در حال توسعه داشته باشد. از همین رو، اصول فوق در ماده یک قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، عیناً تکرار گردیده و هدف از تشکیل این مناطق را تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی و رشد و توسعه اقتصادی، انجام سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش درآمدهای عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای تولید و

^۱ - خلیلی، حلیمه، منطقه آزاد تجاری و امتیازات حقوقی موجود با گذری بر منطقه آزاد تجاری چابهار، اولین همایش بین‌المللی افق‌های توسعه در علوم انسانی، ۱۳۹۵، ص. ۱.

^۲ - رهنورد، فرج‌الله، منبع پیشین، صص. ۴۷ و ۴۸. به نقل از: Kuznetsov, A. (1993) Promotion of Foreign Investment in Russia, Russian and East European Finance and Trade.

^۳ - تقی زاده خدیجه، عملکرد مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۵.

صادرات کالا عنوان نموده است.

اما نباید از نظر دور داشت که عمده ی اهداف ایجاد مناطق آزاد جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری از طریق شرکت‌هاست. امروزه سرمایه‌گذاری خارجی از عوامل اصلی پیوند نظام اقتصادی بین‌المللی و اقتصاد داخلی کشورها و خصوصاً سبب ارتباط اقتصاد کشورهای در حال توسعه و یا در حال رشد با اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و جهان اول و بالاخص اقتصاد جهانی است، در سرمایه‌گذاری خارجی با انتقال مستقیم یا غیرمستقیم سرمایه و فناوری و تخصص و مدیریت، زمینه حضور این قبیل کشورهای سرمایه‌پذیر و در حال پیشرفت، در اقتصاد و تجارت جهانی تقویت می‌گردد.^۱

با عنایت به مراتب فوق، و بررسی داده‌ها و گزارشات اعلام شده از طرف یونیدو، در خصوص مناطق ایران، اهداف اصلی از تأسیس مناطق آزاد عبارت‌اند از:

تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی، بهره‌گیری از مزایا و امکانات و پتانسیل‌ها، برتری‌های نسبی اقتصاد ملی، برقراری ارتباط منظم بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی و اتصال تدریجی اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی است. مضافاً اینکه جذب سرمایه‌های خارجی و داخلی، تأمین ارز بیشتر برای رفع نیازهای اقتصاد ملی، جذب و انتقال فناوری به درون اقتصاد ملی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در منطقه آزاد و درون اقتصاد ملی، افزایش و تنوع‌بخشی صادرات و گسترش تجارت خارجی، افزایش درآمد ناشی از فعالیت‌های خدماتی (حمل‌ونقل، انبارداری، بارگیری و تخلیه و...)، آشنایی عینی و عملی با تجارت جهانی، تربیت نیروی انسانی و کسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و افزایش درجه مهارت نیروهای کار، استفاده از برترهای نسبی (نیروی کار ارزان، ذخایر معدنی، کالاهای کشاورزی و سایر مواد اولیه) و توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخش‌های عقب‌مانده به قطب‌های توسعه از اهم اهداف تفصیلی تشکیل مناطق آزاد است.

^۱ - سیفی اردبیلی داود؛ فتحی نژاد شهرام، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، (تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲)، ص. ۶.

۳- شرکت‌های تجاری

قانون تجارت، تعریفی از شرکت که مبین ماهیت و نیز اوصاف حقوقی آن باشد، ارائه نکرده و تنها در ماده ۲۰ به احصای اقسام شرکت تجاری پرداخته است. علت سکوت قانون‌گذار ایران این است که در قانون تجارت فرانسه که الگوی قانون تجارت ایران بوده است نیز شرکت تجاری تعریف نشده بود، اما سکوت قانون تجارت فرانسه توجیه شدنی است، زیرا قانون مدنی این کشور در ماده ۱۸۳۲ کد ناپلئون شرکت را تعریف کرده بود و قانون‌گذار آن کشور ضرورتی به تکرار تعریف شرکت در قانون تجارت ندیده است، درحالی‌که تقلید صرف قانون‌گذار ایران از قانون تجارت فرانسه خلأیی قانونی ایجاد کرد، چراکه آنچه در قانون مدنی ما در تعریف شرکت آمده با حقیقت شرکت در حقوق تجارت متفاوت است. درحالی‌که شرکت در حقوق تجارت ما ریشه در حقوق اروپایی دارد، شرکت در حقوق مدنی، در درجه‌ی اول متکی بر موازین فقهی است و به دو معنای عام و خاص به‌کاررفته است؛ در معنای عام، شرکت عبارت است از: عقودی که در آن طرفین، سرمایه یا کار خود را برای رسیدن به سودی خاص جمع می‌کنند و در این معنا، علاوه بر عقد شرکت که موضوع مواد ۵۷۱ به بعد قانون مدنی است، عقود مضاربه، مزارعه و مساقات هم از مصادیق شرکت به‌حساب می‌آیند. و در معنای خاص هم، شرکت یکی از عقود معینی است که همراه با اشاعه در حق مالکیت ایجاد می‌شود.^۱

از این رو، برای روشن شدن ماهیت شرکت‌های تجاری ناگزیر از مراجعه به عقاید دکترین حقوقی هستیم. پروفیسور اسکینی بیان می‌دارد: «شرکت تجاری قراردادی است که به‌موجب آن دو یا چند نفر توافق می‌کنند که سرمایه مستقلی را که از جمع آورده‌های آنان تشکیل می‌شود ایجاد کنند و به مؤسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های احتمالی حاصل از به‌کارگیری سرمایه سهیم شوند.» ایشان همچنین در همان

^۱ - کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (مشارکت، صلح و عطایا)، چاپ اقبال، ۱۳۶۳، صص. ۶ و ۱۰.

گفتار، ذیل ارایه دیدگاه خود به تعریف شرکت تجاری به نظر دکتر ستوده تهرانی اشاره می‌دارد که معتقد است: «شرکت تجاری عبارت است از سازمانی که بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود که در آن هر یک سهمی به صورت نقد یا جنس یا کار خود در بین می‌گذارند تا مبادرت به عملیات تجاری نموده و منافع و زیان‌های حاصله را بین خود تقسیم کنند.»^۱

۳-۱- ضوابط ثبت شرکتهای تجاری در سرزمین اصلی و منطقه آزاد

۳-۱-۱- در سرزمین اصلی

در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ پس از تصویب قانون ثبت شرکتهای، اولین آیین‌نامه آن در ۳۴ ماده تنظیم شد. به موجب مقررات مندرج در آیین‌نامه مذکور مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۲۷ وزارت دادگستری، شرکتهای داخلی در تهران در اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها در اداره یا دایره یا شعبه ثبتی که شرکت در حوزه آن واقع است باید به ثبت برسند. مجوز و دستور ثبت شرکتهای خارجی به موجب قانون ثبت شرکتهای مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ بوده و طبق ماده ۳ قانون مذکور از تاریخ اجرای آن «هر شرکت خارجی برای این که بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.» پس از تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ به موجب اصل هشتماد و یکم «دادن امتیاز تشکیل شرکتهای و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.» این اصل اولین گام در جهت محدود ساختن اجرای نظام اقتصادی و بازرگانی جهانی در اقتصاد ایران بعد از انقلاب اسلامی بود که در عمل نیز تولید اشکالات فراوانی مینمود زیرا اکثر ممالک جهان جهت برطرف کردن حوائج خود خصوصاً در زمینه‌های فناوری و صنعت محتاج به

^۱ - اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹)، ص. ۱۷.

همیاری و مساعدت سایر کشورها بودند و ایران نیز از این قاعده مستثنا نبود؛ اما اصل فوق مانع جدی ای بر سر راه این مساعدت محسوب میشد. بنابراین جهت رفع این مشکل اداره ثبت شرکت‌ها بر مبنای اظهار نظر شورای محترم نگهبان فقط زمانی مبادرت به ثبت شرکت خارجی (شعبه یا نماینده) می‌نماید که قبلاً با یکی از ادارات یا نهادهای دولتی قرارداد منعقد شده باشد، به عبارت دیگر شرکت‌های خارجی ای که طرف قرارداد با جمهوری اسلامی ایران هستند را می‌توان به ثبت رسانید. اگر این حربه ی قانونی دست اقتصاد ایران را تا حدی جهت همیاری با یکی اصول اساسی اقتصاد جهان یعنی همکاری و مساعدت و برسمیت شناختن بازوان اقتصادی سایر ملل در خاک ایران را هموار کرد اما این ترفند تنها یک آبراهه بود جهت نیل به جریان توسعه اقتصادی جهان و هنوز موانع بسیار دیگری همچون محدودیت های گمرکی و صادرات و واردات و مبادلات ارزی و غیره وجود داشت.

۳-۱-۲- در منطقه آزاد

یکی از مهم‌ترین اهداف سازمان مناطق آزاد، جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و تشویق و ترغیب آنان در جهت سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد است که در این راستا، ثبت اشخاص حقوقی و شفاف‌سازی پروسه ثبت شرکت‌ها و اطلاع‌رسانی دقیق‌تر به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، نقش ویژه‌ای را در تعیین نوع فعالیت‌ها و تشخیص اهم موضوعات مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری ایفا می‌نماید. بر این اساس، سازمان مناطق آزاد کشور به منظور انجام امور ثبتی شرکت‌ها در مناطق آزاد، واحدی را به نام واحد ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی - معنوی تأسیس نمود که وظایف این واحد ثبتی در ماده ۳ ضوابط ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۷۴/۲/۳۰ به این شرح بیان گردیده است: «ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ایرانی و خارجی، ثبت علائم و اسامی تجاری و صنعتی، ثبت اختراعات و اشکال و ترسیم‌های صنعتی، ثبت دفاتر تجاری بازرگانان، پلمپ دفاتر تجاری و غیرتجاری واقع در حوزه هر منطقه، ثبت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با رعایت آیین‌نامه اجرایی عملیات پولی بانکی در مناطق آزاد و ثبت شرکت‌های بیمه طبق مقررات حاکم در مناطق آزاد.»

هر شرکت یا مؤسسه‌ای که در مناطق آزاد ثبت شود، تشریفات و قواعد خاص خود را دارد و مرکز اصلی آن نیز در همان منطقه است که این شرکت، ایرانی و ثبت شده در منطقه محسوب می‌شود. حسب تصویب‌نامه شماره ۲۱۴۵۳/ت/۱۵۰۱۱ ک ۱۳۷۴/۲/۳۰ موضوع قوانین و ضوابط ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، شرکت یا مؤسسه خارجی برای این‌که بتواند به وسیله شعبه یا نمایندگی در منطقه به فعالیت‌های اقتصادی مبادرت نماید باید در کشور متبوع خود مطابق قوانین و مقررات جاری آن کشور، به تصدیق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور، شرکت قانونی محسوب شود و در واحد ثبتی منطقه نیز به ثبت رسیده باشد. هر شرکت یا مؤسسه خارجی که در تاریخ اجرای این تصویب‌نامه در منطقه به وسیله شعبه یا نمایندگی به فعالیت‌های اقتصادی اشتغال داشته باشد، باید در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این تصویب‌نامه تقاضای ثبت نماید، در غیر این صورت شرکت مذکور اعتبار قانونی نداشته و مؤسسين آن در قبال اشخاص ثالث متضامناً مسئول جبران خسارت وارد شده خواهند بود. در نهایت میتوان با قطعیت اذعان داشت که اولین گام در توسعه و گسترش مناطق آزاد، ایجاد نوعی از شرکت‌های مورد قبول قانون ایران بعنوان نهاد مجری اهداف مؤسسين در این مناطق است که بستری قانونی و مستقل و به ثبت رسیده جهت به رسمیت شناخته شدن در برابر کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخلی و خارجی و دولتی و خصوصی می‌باشد.

۴- محدودیت‌های حقوقی کارکرد شرکت‌های تجاری در مناطق آزاد

شرکت‌های تجاری و سرمایه‌گذاران خارجی جهت فعالیت و حضور در مناطق آزاد جمهوری اسلامی ایران با موانع و محدودیت‌هایی مواجه هستند که نشأت گرفته از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر مقررات و شرایط اجتماعی است.

۴-۱- محدودیت‌ها در قوانین راهبردی و اساسی

در خصوص مناطق آزاد، این سؤال مطرح می‌شود که اساساً ایجاد چنین مناطقی با خصوصیات منحصر به فرد خود آیا مخالف با قانون اساسی است یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال باید بین اصل ایجاد مناطق آزاد با اجرای قوانین و مقررات در آن‌ها، تفاوت قائل شد، به عبارت دیگر اصول قانون اساسی به هیچ وجه مفید این معنی نیست که در سراسر قلمرو کشور مشمول قانون باید اجرا شود، لذا اساس و ماهیت ایجاد منطقه آزاد که به معنی ایجاد قوانین ویژه‌ای در آن است، به نظر نمی‌رسد مخالفتی با عموماًت قانون اساسی داشته باشد، اگرچه این عدم تعارض راه ایجاد منطقه آزاد را هموار می‌نماید، اما در مقررات حاکم بر منطقه آزاد و قوانین مجری در قلمرو آن است که باید تعارض یا عدم تعارض آن‌ها با قانون اساسی، مورد مطالعه قرار گیرد.

ماده ۸ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری اشعار می‌دارد: «سازمان و شرکت‌های تابع آن مجاز هستند قراردادهای لازم را با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی منعقد نمایند و با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با رعایت اصول قانون اساسی برای انجام طرح‌های عمرانی و تولیدی مشارکت کنند. اختلاف‌ها و دعاوی ناشی از قراردادهای منعقدشده برحسب توافقی‌ها و تعهدهای قراردادی دو طرف، رسیدگی و حل و فصل می‌شود.»

در خصوص این ماده که حل و فصل اختلاف از طریق توافق را میسر می‌سازد و تأکید بر رعایت اصول قانون اساسی دارد، به نظر می‌رسد این ماده با اصول ۱۳۹، ۸۱، ۷۷ و ۴۴ قانون اساسی ارتباط داشته و نیاز به شرح و توضیح و رفع ابهام بنیادین خواهد داشت، لذا در مبحث حاضر به بررسی ارتباط یا تعارض اصول یادشده با مقررات چگونگی اداره مناطق آزاد خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱- فقدان سیستم حل اختلاف مطمئن

یکی از مهم‌ترین مسائل در مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاران خارجی موضوع چگونگی حل اختلافات حاصله آنان با یکدیگر و سازمان‌ها و نهادهای دولتی به‌ویژه سازمان مناطق آزاد است. روشن است که سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌توانند به مراجع قضایی ملی کشور محل

سرمایه‌گذاری اعتماد نمایند و آن را منافی حقوق خویش در آن کشور می‌دانند، به همین دلیل در کشورهای مختلف راه‌حل‌های گوناگونی برای این موضوع در نظر گرفته شده است که بیشتر آن‌ها روش‌های برون دادگاهی می‌باشند که از میان این شیوه‌ها، پیش‌بینی شرط داوری در قراردادها و ارجاع به داوری معمول‌تر است.

در خصوص حل و فصل اختلافات در مناطق آزاد ماده ۸ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد مقرر می‌دارد: «...اختلاف‌ها و دعاوی ناشی از قراردادهای منعقدشده حسب توافقات و تعهدهای قراردادی دو طرف، رسیدگی و حل و فصل می‌شود.» همچنین بر اساس ماده ۱۶ مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳ اعلام شده است که «موارد اختلاف بین سرمایه‌گذار خارجی و طرف ایرانی بر اساس قراردادها و توافقات کتبی حل خواهد شد.» و این در حالی است که بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت‌وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس برسد. این موضوع به نوعی که در ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ه.ش تکرار شده است، موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

بند الف - تفاسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی

برای اصل ۱۳۹ قانون اساسی تفاسیر مختلفی بیان شده است؛ گروهی اعتقاد بر این دارند که ظاهر اصل ۱۳۹ ق.ا. منصرف از پیش‌بینی شرط داوری در قراردادهاست و تنها شامل ارجاع امر به داوری میشود؛ یعنی تنها ارجاع امر به داوری است که نیاز به تصویب یا اطلاع مجلس دارد؛ اما بررسی رویه غالب شورای نگهبان نشان می‌دهد که شورا درج شرط داوری را نیز

مشمول اصل و مستحق گذراندن تشریفات مزبور در اصل نامبرده دانسته است.^۱ عده‌ای دیگر بر این باور هستند که تمامی تفاسیر از اصل ۱۳۹ قانون اساسی به‌نوعی بیانگر این موضوع هستند که عدم رعایت اصل مذکور به عدم اعتبار قرارداد داوری منجر می‌گردد.^۲ اما به نظر می‌رسد که تفسیر این اصل به هر نحو که باشد تاب و توان ایستادگی در مقابل منطوق اصل را نداشته و نیاز جدی به اصلاح و بازنگری دارد.

بند ب- تعارض اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۸ ق.چ.ا.م.آ

پس از استقراء در قوانین این سؤال مطرح می‌گردد که آیا ماده ۸ قانون مناطق آزاد ذیلاً با اصل ۱۳۹ قانون اساسی مغایر نیست؟ توضیح آنکه، یکی از روش‌های قراردادی حل و فصل اختلافات ممکن است داوری باشد. حال این داوری یا در قرارداد اصلی مورد توافق قرار می‌گیرد (شرط داوری) یا پس از بروز اختلاف، در قرارداد جداگانه ای طرفین حسب مورد بر سر ارجاع اختلاف به داوری موافقت مینمایند. نوع دوم بی‌تردید باید به تصویب مجلس برسد، اما در خصوص شرط داوری باید گفت که اگر شرطی که ارجاع امر به داوری را بیان می‌کند؛ در قراردادهایی باشد که به تصویب مجلس رسیده است، در این صورت چون شرط ارجاع به داوری نیز طبعاً به تصویب مجلس رسیده است، مخالفتی با اصل ۱۳۹ قانون اساسی نخواهد داشت. در این زمینه برخی نویسندگان، وجود شرط داوری و تصویب مجلس را نیز کافی نمی‌دانند و معتقدند که چون شرایط و اوضاع و احوال هر زمان متفاوت است، مجلس باید ارجاع به امر داوری را در هنگام بروز اختلاف مجدداً تصویب کند و تصویب قبلی کافی نیست.^۳ بنابراین قراردادهای سازمان منطقه آزاد اگر حاوی شرط داوری باشد باید در هر صورت به تصویب قبلی مجلس رسیده باشد و الا علی‌رغم وجود آن شرط، ارجاع به داوری

^۱ - کورش کاویانی، اصل ۱۳۹ قانون اساسی و شرط داوری در قراردادهای مصوب مجلس، مجله پژوهش حقوق و سیاست ۵ (۱۳۸۰) ص. ۱۳۵.

^۲ - لعیا جنیدی، قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶، چاپ اول، ۹۶.

^۳ - هزاوه ای، سید محمد مهدی. (۱۳۷۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چاپ پاسدار اسلام ص ۶۹.

مخالف قانون اساسی خواهد بود. ظهور ماده ۸ فوق الذکر را نیز باید به همین گونه تفسیر کرد زیرا اصولاً و منطقاً نمی‌توان قانون عادی را نوعی تفسیر نمود که مخالف قانون اساسی باشد و باید بین قانون عادی و قانون اساسی جمع نمود (الجمع امکن اولی من الطرح). ناگفته نماند که این عدم اعتبار شرط داوری بدون تصویب مجلس، فقط از جهت داخلی معتبر است ولی در صورت انعقاد قرارداد حاوی شرط داوری بدون تصویب مجلس، مراجع بین‌المللی، دولت را به دلایل و توجیهاات مختلف مسئول تلقی می‌نمایند.^۱

همچنین دکتر بهروز اخلاقی در خصوص بحث یادشده بیان می‌دارد که: ماده ۸ قانون چگونگی اداره مناطق، هرچند توافق‌ها و تعهدهای قراردادی طرفین را به‌عنوان راه‌حلی برای حل اختلافات پیش‌آمده به رسمیت می‌شناسد، لیکن بایستی توجه کرد که در صدر ماده به رعایت اصول قانون اساسی اشاره شده است و عدم رعایت اصول اساسی از جمله گنجاندن شرط داوری بدون انجام تشریفات مربوط به آن، موجب بی‌اعتباری قرارداد خواهد شد. در نتیجه ماده مزبور با اصل ۱۳۹ تعارضی دارد. بدین ترتیب ماده ۸ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد نتوانسته محدودیت قانون اساسی را از بین ببرد و تنها گامی در راه شناسایی نهاد داوری به شمار می‌آید.^۲

با توجه به مطالب گفته‌شده در حال حاضر نظام قانونی حاکم بر مناطق آزاد، در روابط بین سرمایه‌گذاران خارجی و نهادهای دولتی بالأخص سازمان مناطق آزاد، -خواه در اختلافات قراردادی و خواه در اختلافات غیر قراردادی- سیستم حل اختلاف قابل‌اعتمادی وجود ندارد و سرمایه‌گذاران خارجی در اکثر مواقع ناگزیرند به دادگاه‌های محلی مراجعه نمایند و این موضوع می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل عدم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در مناطق آزاد ایران باشد. از سوی دیگر متأسفانه دولت ایران به کنوانسیون‌های حل و فصل اختلافات نپیوسته

^۱ - اسکینی، دکتر ربیعا. (۱۳۷۱) مباحثی از حقوق تجارت بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۵

^۲ - بهروز اخلاقی، سخنی درباره آینده سرمایه‌گذاری در ایران، بررسی اجمالی علل و موانع پیشرفت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۴۷ (۱۳۷۹)، ص. ۳۱.

است. یکی از مهم‌ترین این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون راجع به حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع سایر کشورهاست که در سال ۱۹۶۵ در واشنگتن منعقد گردیده است که این مسئله به نوبه خود می‌تواند باعث بروز تعارض در اجرا می‌گردد.

۴-۱-۲- تعیین میزان مشارکت سرمایه‌گذار خارجی

در این اصل از قانون اساسی تصریح می‌شود که دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معدنی و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بسیاری از اقتصاددانان و صاحب‌نظران از اصل هشتماد و یکم ق.ا. به‌عنوان مهم‌ترین مانع در راه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران یاد می‌کنند و تفاسیر متعددی که شورای نگهبان قانون اساسی از این اصل ارائه نموده خود بیانگر میزان تأثیر این اصل در این زمینه است.

بند الف- تفاسیر اصل ۸۱ قانون اساسی

در یکی از نظریات شورای نگهبان در خصوص اصل ۸۱ قانون اساسی آمده‌است شرکت‌های خارجی فعال در امور تجاری در صورت مشارکت با دولت ایران، مشمول این اصل نبوده و به آن‌ها اجازه‌ی فعالیت در ایران داده خواهد شد به بیانی دیگر مشارکت خارجی در بخش خصوصی می‌تواند صورت گیرد مشروط به این‌که سهم آن‌ها بیش از ۴۹ درصد کل سرمایه نباشد همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که ثبت شرکت‌های خارجی، بدون نیاز به انعقاد قرارداد با دولت، ایجاد بانک‌های خارجی و شرکت‌های بیمه در مناطق آزاد تجاری مجاز شمرده شده‌است.^۱

لازم به ذکر است به‌موجب نظریه‌ی مورخ ۱۳۶۰/۰۲/۰۲ شورای نگهبان، شرکت‌های خارجی تنها در صورت انعقاد قرارداد با دستگاه‌های دولتی ایران، می‌توانستند طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شرکت‌ها در ایران مبادرت نمایند و به انجام امور قانونی و

^۱ - جهانگیر، منصور، محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دوران، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷.

فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقدہ پردازند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد،^۱ بنابراین اداره ثبت شرکت‌ها بر مبنای اظهار نظر شورای نگهبان فقط زمانی مبادرت به ثبت شرکت‌های خارجی (شعبه یا نماینده) می‌نمود که قبلاً با یکی از ادارات یا نهادهای دولتی، قراردادی منعقد کرده‌بودند. این رویه ادامه داشت تا این‌که با تصویب قانون اجازه‌ی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۸ امکان ثبت شرکت‌های خارجی فراهم گردید.

در این‌جا این سؤال به ذهن می‌آید که آیا مفهوم اعطای امتیاز همان انحصار است یا منظور ثبت و به رسمیت شناختن و به نوعی تجویز کار و فعالیت میباشد؟ اصولاً قراردادهای اداری دولت بر دو نوع است، یکی قرارداد مقاطعه و دیگری قرارداد امتیاز. قرارداد امتیاز؛ قراردادی است که به موجب آن دولت اداره یا ارائه‌ی یک خدمت عمومی یا بهره‌برداری از منبع درآمد عمومی را به شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌کند که در مدت معین، طبق شرایط معین؛ آن امر را ارائه یا اداره کند یا حتی از آن منبع درآمد، به حساب خود بهره‌برداری نماید و در مقابل مخارج و کار خود، وجوهی را از مصرف‌کنندگان خدمات یا دولت دریافت کند یا سهمی از منافع دولت را پردازد. لذا در تفسیر اصل باید این‌گونه اظهار نمود که ممنوعیت مطلق؛ صرفاً مربوط به دادن امتیاز در معنای خاص آن است. یعنی به عبارت دیگر تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات فقط از طریق اعطای امتیاز و انحصار ممنوع است. بنظر میرسد تفسیر منطقی همان است که بگوییم باید درصد خاصی در سهام رعایت گردد تا امتیاز محقق نشود. چراکه این تفسیر بیانگر این است که اگر میزان سهام خارجی در یک شرکت مشترک با طرف ایرانی، ۴۹ درصد یا کمتر از آن باشد، این شراکت اعطای امتیاز محسوب نمی‌شود و همانگونه که طبق قانون تجارت همه حق‌دارند برای تأسیس شرکت دست به اقدام بزنند، در زمینه‌ی شرکت‌های

^۱ - تفسیر شورای نگهبان از اصل هشتاد و یکم قانون اساسی، سایت شورای نگهبان.

تجاری در مناطق آزاد نیط هیچ فرقی بین اتباع ایرانی و خارجی نیست.^۱

بند ب- قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن

در سال ۱۳۸۰ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و در سال ۱۳۸۱ آیین‌نامه اجرایی آن به تصویب رسید که در حال حاضر اصلی‌ترین و مرتبط‌ترین مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی است. طبق بخش ۱-۲ بند ب ماده ۴ آیین‌نامه مذکور، محدودیتی از نظر درصد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد؛ بنابراین مطابق این ماده سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند بدون هیچ‌گونه محدودیتی اقدام به مشارکت در شرکت‌های تجاری نماید. لازم به ذکر است که قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی تنها بر سرمایه‌گذارانی حاکم است که مجوز لازم برای سرمایه‌گذاری را مطابق آن قانون، اخذ نمایند. اخذ چنین مجوزی اجباری نیست و تنها اثر عدم اخذ مجوز، محرومیت از حمایت‌های موجود در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی است؛ اما هرگاه سرمایه‌گذار خارجی مجوز لازم را اخذ نماید، می‌تواند از خدمات سازمان سرمایه‌گذاری جهت ثبت شرکت بهره‌مند گردد.

به عبارت دیگر مرکز سرمایه‌گذاری خارجی سازمان سرمایه‌گذاری که از جمله وظایف آن انجام هماهنگی‌های لازم در امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی بعد از صدور مجوز سرمایه‌گذاری شامل ثبت شرکت مشترک است،^۲ با معرفی وی به اداره ثبت شرکت‌ها، شرایط ثبت شرکت سرمایه‌گذار را با درصد مقرر در مجوز صادره، فراهم می‌آورد و اداره ثبت شرکت‌ها با ملاحظه چنین معرفی‌نامه‌ای و اطمینان از صدور مجوز سرمایه‌گذاری، به ثبت شرکت با درصد مشارکت خارجی طبق مندرجات مجوز اقدام خواهد نمود. نتیجه اینکه هرگاه

^۱ - جهانگیر، منصور، پیشین.

^۲ - نک: بند ۴ ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱.

سرمایه‌گذاران خارجی، با اخذ مجوز سرمایه‌گذاری اقدام به ثبت شرکت نمایند، این شرکت بسته به میزان مندرج در مجوز می‌تواند حتی با مشارکت صددرصدی خارجیان ثبت گردد؛ اما هرگاه فعالیت خارجیان بدون اخذ مجوز مذکور باشد طبق رویه عملی موجود، با توجه به تفسیری که اداره ثبت شرکت‌ها از اصل ۸۱ قانون اساسی به عمل می‌آورد، تنها تا ۴۹٪ مشارکت خارجیان پذیرفته می‌شود که این تعارض در مقام ایجاد حق، یا بهتر بگوییم؛ ایجاد این نوع از حمایت، در عمل نوعی حیل علیه قانون و فراهم آوردن مقدمات انحصار طلبی شرکت های مذکور خارجی است که عدول از نص و منطوق قانون اساسی که اراده موسسین بوده است، به وسیله ی پذیرفتن تفسیری خلاف نص که در بندهای پیشین نیز گفته شد؛ امری غیر اصولی و خلاف شان است. زیرا هیچگاه پذیرفته نیست که بتوان از طریق ائین نامه و نظریه استفساریه ی شورای نگهبان آن هم با کیفیتی ناصواب، از منطوق اصلی از اصول قانون اساسی چشم پوشی کرد.

۴-۱-۳- نحوه انعقاد قراردادهای بین‌المللی و خصوصی‌سازی

اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی به قراردادهای بین‌المللی و اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به خصوصی‌سازی اشاره دارد که به شرح بندهای ذیل به توضیح آن خواهیم پرداخت:

بند الف- اصل هفتاد و هفتم ۷۷ قانون اساسی

در خصوص انعقاد قراردادهای بین‌المللی، اصل ۷۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.» حال این پرسش به میان می‌آید که کدام قرارداد، بین‌المللی است؟ قبل از پاسخ به سؤال مذکور، باید بیان داشت که قراردادهای دولت یا قراردادهای دستگاه‌های وابسته به دولت با خارجیان، خارج از سه حالت ذیل متصور نیست:

چنانچه قرارداد بین سازمان و شرکت‌های تابعه آن، با دولت یا مؤسسات و سازمان‌های

دولتی خارجی در امور غیرتجاری منعقد گردد؛ به این نوع قراردادها، قراردادهای بین‌المللی گفته می‌شود و بی‌تردید اظهار مصادیق اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی است و باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد؛ اما در خصوص سازمان منطقه آزاد این فرض منتفی است، زیرا ظاهراً مورد ماده هشت، امور تجاری از قبیل مشارکت در طرح‌های عمرانی و تولیدی است.

اگر قرارداد بین سازمان و شرکت‌های تابعه آن با دولت یا دستگاه‌های وابسته به دولت و اشخاص خصوصی خارجی در امور تجاری منعقد گردد؛ در این فرض تصویب این قراردادها توسط مجلس شورای اسلامی لازم نیست. شورای نگهبان در نظریه‌ی خود به نخست‌وزیری وقت همین مطلب را به‌صراحت بیان و اعلام داشته که: قراردادهایی که یک‌طرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی ایرانی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارجی باشد، قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نیست.^۱

چنانچه قراردادهای بین دولت و دستگاه‌های دولتی ایران با دولت یا دستگاه‌های دولتی خارجی در موضوعات تجاری منعقد گردد؛ این نوع قراردادها در اینکه آیا مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی می‌باشند یا خیر مورد اختلاف هستند. برخی از نویسندگان از نظرات شورای نگهبان استنباط نموده‌اند که شورای مذکور این نوع قراردادها را مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی تلقی می‌نماید و سپس از این تلقی شورای نگهبان انتقاد به عمل آورده‌اند و چنین بیان داشته‌اند که معیار لزوم و عدم لزوم تصویب مجلس، باید موضوع قرارداد باشد و نه طرف قرارداد؛ بدین معنی که اگر موضوع قرارداد جزء امور مربوط به حاکمیت باشد مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی بوده و تصویب مجلس لازم است و الا مشمول اصل مذکور نخواهد بود، این افراد در تأثیر نظر خود به رویه قضایی بین‌المللی نیز استناد جسته‌اند، به‌طور مثال می‌توان به طرح شکایت انگلیس علیه ایران در قضیه ملی شدن نفت اشاره نمود که رأی عدم صلاحیت دیوان

^۱ - شم‌آبادی، حسن. ۱۳۷۳، حقوق مرتبط با مناطق آزاد تجاری صنعتی پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس ص ۵۴.

لايه به علت اينکه قرارداد منعقدۀ قرارداد بين‌المللی نبوده صادر شده است.^۱ اما به نظر می‌رسد در خصوص تفسیر قانون اساسی نظريه بالا مورد انتقاد است، زیرا در لزوم يا عدم لزوم تصویب مجلس در خصوص یک قرارداد [برعکس نظريه فوق] آنچه مهم است، طرف قرارداد است نه موضوع قرارداد، البته هرچند موضوع قرارداد نیز نقش مهمی دارد، اما چون اصول قانون اساسی، و به‌طور مشخص اصل یادشده دقیقاً در جهت حفظ منافع ملی و محدود نمودن قوه مجریه در انعقاد قرارداد با خارجیان است؛ باید اعتقاد داشت که انعقاد قرارداد بين دولت و سازمان‌های دولتی ایران و سازمان‌های دولتی خارجی، حداقل از نظر قانون اساسی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد؛ البته این رویه قانون اساسی قابل انتقاد بوده و محدودیت‌های عملی دارد، اما قانون را باید در راستای اهداف و اراده‌ی قانونگذار و موسسین و نویسندگان آن تفسیر نمود، بنابراین نوع سوم از قراردادها نیز باید به تصویب مجلس برسد. ناگفته نماند که قید با رعایت اصول قانون اساسی در ماده ۸ ق.ج.ا.م.آ نیز مؤیدی بر این نظریه است زیرا قراردادهای سازمان منطقه آزاد با خارجیان صرفاً در خصوص معاملات تجاری است و نه مسائل مربوط به حاکمیت و لذا درج قید مذکور نشان‌دهنده آن است که لزوم تصویب، قدر متیقن امثال امر مقنن بوده است.

بند ب- اصل ۴۴ قانون اساسی

بر اساس اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است که بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مولد، صنایع نوزاد، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و غیره می‌شود که به‌صورت

^۱ - شم آبادی، پیشین، ص ۵۸.

مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع و مصرف است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل کرده و بخش خصوصی هم شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

اصل یادشده اگرچه به سهم بخش‌های متفاوت در ساختار اقتصادی کشور اشاره دارد ولی در عمل، عامل رکود اقتصادی و بن‌بست نظام سرمایه‌گذاری در ایران است که منجر به شکل‌گیری یک دولت انحصاری شده و برای فعالیت بازرگانان، تنها بستر سرمایه‌گذاری متکی به بخش مردمی را فراهم می‌آورد که در واقع این اصل بخش خصوصی را از فعالیت در رشته‌های مختلف اقتصادی بازمی‌دارد.^۱

طبق قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها در صنایعی جایز است که امکان فعالیت بخش خصوصی وجود داشته باشد، که با ابهامی که از این اصل در ذهن شکل می‌گیرد به این نتیجه‌ی منطقی می‌رسیم که وقتی یک صنعت توسط بخش خصوصی ایرانی و خارجی ایجاد شد و در اثر توسعه به صنایع بزرگ تبدیل گردید، در معرض دولتی شدن قرار می‌گیرد که اگر چه در وهله‌ی اول یک مزیت محسوب گردیده ولی در حقیقت این خود نیز بزرگترین مانع شرکت‌های سرمایه‌گذار در جهت رشد و گسترش فعالیت‌های خصوصی آنان است که می‌توانستند بستر فعالی را در مناطق آزاد ایجاد کنند.

۲-۴- محدودیت‌ها در قوانین عادی و حقوق اقتصادی

در مبحث حاضر به بیان سایر موانع و محدودیت‌هایی که در مسیر حضور و فعالیت شرکت‌های تجاری و سرمایه‌گذاران خارجی قرار دارد؛ طی چهار گفتار ذیل خواهیم پرداخت:

۴-۲-۱- کمبود تضمینات سرمایه‌گذاری

تضمینات موجود در مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاران خارجی چندان نیست که اعتماد آنان

^۱ - جهانگیر، منصور، پیشین، ص. ۲۳۶.

را برای سرمایه‌گذاری برانگیزد. یکی از تضمیناتی که در مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاران خارجی پیش‌بینی می‌شود، امکان ورود و خروج آسان سرمایه و سود حاصله از آن است. این موضوع در ماده ۲۰ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد انعکاس یافته است پس اندکی تامل و استقرا در سایر قوانین آن را مقید و محدود می‌یابیم زیرا ماده ۱۲ قانون سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد^۱، خروج سرمایه و سود را منوط به درخواست از سازمان منطقه و رسیدگی آن نهاد می‌داند. مطابق این ماده، سازمان هر منطقه بایستی به درخواست این‌گونه سرمایه‌گذاران رسیدگی کرده و در صورت موافقت، تأییدیه لازم را ظرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست، صادر نماید. باین‌حال معلوم نیست اگر این تأیید ظرف یک هفته صادر نگردد و یا صلاحیت و وجاهت موضوع توسط سازمان احراز نگردد چه راه‌حلی پیش روی سرمایه‌گذار وجود دارد؟ خروج سود به این طریق یکی از مسائلی است که انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. زیرا عملاً در مقابل سرمایه‌گذار جز مانع چیزی وجود ندارد. سرمایه‌گذار باید بتواند با سرعت و بدون قید و شرط، هر زمان که اراده نماید سرمایه خود را از گردش داخلی خارج نماید.^۲ از سوی دیگر در قوانین مناطق آزاد، قانونی برای تضمین سرمایه‌گذاری خارجی در مقابل کنترل اموال وجود ندارد. لازم به ذکر است که کنترل اموال، کلیه اقداماتی است که بدون آنکه سالب حق مالکیت سرمایه‌گذار خارجی باشد، به نحوی اداره اموال متعلق به وی را از

^۱ - ماده ۱۲: خروج سود ویژه و مبالغ مربوط به اصل و منافع حاصل از فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌های ارزی ایرانیان و همچنین منافع حاصل از فروش، یا واگذاری این‌گونه سرمایه‌ها از مناطق مجاز است. سازمان هر منطقه به درخواست این‌گونه سرمایه‌گذاران و پس از احراز اینکه مبالغ مورد درخواست برای خروج از مناطق حاصل به کار انداختن سرمایه ثبت‌شده سرمایه‌گذاران در موضوع مجوز سرمایه‌گذاری است و حصول اطمینان از موارد مندرج در تبصره زیر تأیید لازم را ظرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست صادر نماید.

^۲ - محمود عرفانی، وضعیت حقوقی تاجر خارجی در بازرگانی، مطالعه تطبیقی در بلژیک، کانادا، ایتالیا، فرانسه، برزیل، لوکزامبورگ و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۸۲، ۶۲، ص. ۲۷۶.

اختیار او خارج می‌کند.^۱ از جمله مصادیق مهم کنترل اموال، معاملات اجباری است. معاملات اجباری زمانی مصداق می‌یابد که دولت به معنای تام کلمه به دلیل نیاز به مال یا ملکی، مالک آن را ملزم به فروش آن مال نماید که معمولاً قیمت فروش نیز از ارزش واقعی ملک یا مال پایین‌تر است که سرمایه‌گذار را با ناامیدی و بیم درخصوص سلب مالکیت از اموال دست‌یافته خود، سردرگم‌نگه میدارد. همان‌طور که گفته شد، برای تضمین سرمایه‌گذاران در مقابل چنین امری در قوانین ایران پیش‌بینی خاصی صورت نگرفته است.

۴-۲-۲- مصادره یا ملی نمودن سرمایه خارجی

اینکه شرکت‌های داخلی و خارجی و به تبع سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با صد درصد سرمایه به‌طور مستقل، و یا با مشارکت طرف‌های ایرانی مجاز به فعالیت تجاری در مناطق آزاد تجاری ایران می‌باشند منطبق با اصل آزادسازی تجاری و اصل عدم تبعیض میان تجار داخلی و خارجی است و آزادی تجار جهت انتقال سرمایه و سود در هر زمان که بخواهند در راستای اصل آزادی تجاری تعریف می‌شود؛ اما مجوز دولت برای مصادره یا ملی اعلام نمودن سرمایه‌های خارجی-هرچند که پس‌از آن جبران خسارت صورت پذیرد-با توجه به اصل آزادسازی تجاری پذیرفتنی نیست و و از آن وخیم‌تر اینکه مرور زمان یا موعده تعیین‌گشته، تاجر مزبور را موظف به مطالبه خسارت در عرض سه ماه می‌نماید که حتی اگر نتواند در مهلت مقرر خسارات وارده را مطالبه کند، راه‌حلی پیش روی تاجر و شرکت تجاری نیست و قوانین مربوطه، موضوع را مسکوت گذاشته که این مسئله می‌تواند به بی‌اعتمادی تجار خارجی در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری بیانجامد و مغایرتی اساسی با اصل پیش‌گفته است.^۲

بنابراین یکی از تهدیدهایی که متوجه سرمایه‌گذاری خارجی است و موجب عدم اشتیاق

^۱ - تفرشی، محمد عیسی. تضمین سرمایه‌گذاری خارجی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۷.

^۲ - خلیلی، حلیمه؛ سلطانی، رضا؛ جلالی، محمود، تبیین مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری ایران و انطباق آن با اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۴۲، ص. ۹۸.

سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد خطر سلب مالکیت و ملی کردن دارایی خارجی است. از این رو، برخی از قوانین به منظور تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، اصولاً حق ملی کردن سرمایه خارجی را از خود سلب نموده‌اند.^۱ حتی بعضی از کشورها به‌ویژه کشورهای آسیایی تا جایی پیش می‌روند که سود عادلانه سرمایه‌گذاری‌های خارجی را علاوه بر اصل سرمایه تضمین می‌نمایند که این امر باعث می‌گردد تا بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها، بدون ترس از حوادثی که ممکن است به زیان و موجب از دست رفتن سرمایه آن‌ها در مناطق آزاد گردد، و تجار با طیب خاطر امکانات و سرمایه‌های خود را به منطقه آورند؛ الا ای حال عده‌ای را عقیده بر این است که وقتی برحسب مزیت نسبی، هزینه‌های سرمایه‌گذاری را پایین می‌آوریم و انواع معافیت‌های مالیاتی و گمرکی را برای آن‌ها فراهم می‌کنیم، مشکل ملی کردن یا سلب مالکیت را هم با تضمین دولت برای سرمایه‌گذار برطرف می‌کنیم که دیگر لزومی به تضمین سود سرمایه‌گذاری‌ها نیست،^۲ که از نظر ما این موضوع نقض غرض است که نه تنها تغییر صورت مسئله می‌باشد، بلکه صرفاً کم و زیاد کردن سود و زیان تاجر به بهانه‌های مختلف است و در عمل تاجر با یک کل ثابت در مقابل با قبل، روبرو است.

لیکن در مقررات جمهوری اسلامی ایران از آنجاکه در واقع ملی کردن دارایی اشخاص حقوقی از جمله شرکتها، حق ذاتی و اساسی دولت است و حتی به‌وسیله قانون عادی نیز نمی‌توان از آن عدول کرد؛ بنابراین تنها طریق باقی جهت جمع کردن ما بین دو حق ذاتی برای طرفین ذی حق وجود دارد، امکان پرداخت خسارت به صاحبان سرمایه است؛ اگر چه تطویل امور و سردرگمی به بار می‌آورد ولی در حال حاضر این امر درباره مقررات سرمایه‌گذاری مناطق آزاد مورد پیش‌بینی و پذیرش قرار گرفته است.^۳

^۱ - ابراهیم‌خانی، حسین، بررسی تطبیقی حقوق کار در مناطق آزاد تجاری، انتشارات آریان، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۱.

^۲ - حدادی مهدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، «شیوه‌های حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی»، ۱۳۷۵-۱۳۷۶-ص. ۱۳۸.

^۳ - نک. ماده ۱۰ مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳.

۴-۲-۳- عدم ثبات نسبی در مقررات اقتصادی

سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که توسط دولت اتخاذ می‌شود که به قانون و مقررات به معنای اعم خود تعبیر می‌شود باید از یک ثبات نسبی برخوردار باشد. متأسفانه قانون‌گذاری‌های اقتصادی از دقت و کامل لازم برخوردار نبوده و از انفعالات سیاسی و بحران‌های مقطعی به دور نیست و تحت شرایط خاصی بدون اینکه همه جوانب اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته شود تدوین و تصویب می‌گردد. در نتیجه قوانینی که تنظیم می‌شوند سیاست‌های همگن و عام لازم را نداشته که این مسئله، تزاخم و ناهمگنی در بین اجزا مختلف اقتصادی را در پی خواهد داشت و تفسیرهای مکرر در قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها موبد همین بی‌توجهی است که نتیجتاً بدترین ضربه را بر پیکره‌ی امنیت اقتصادی کشور وارد می‌نماید. اگرچه برخی از این تغییرات در اثر تصمیمات خارجی اتخاذ می‌شود ولی برای سرمایه‌گذار فرقی نمی‌کند که تصمیمات را چه کسی گرفته است زیرا اگر شرایط مناسب سرمایه‌گذاری موجود نباشد، سرمایه‌گذار از سرمایه‌گذاری منصرف می‌گردد. سرمایه‌گذاری زمانی در تصمیم خود جهت تخصص سرمایه مصمم می‌شود که اطمینان داشته باشد قوانین حداقل در یک دوره ۱ ساله تغییر نمی‌کند. در حقیقت فقدان استراتژی‌های اقتصادی و عدم ارزیابی و اجرای برنامه‌های مدون کوتاه‌مدت و میان‌مدت تعویض مدیریت‌ها و عزل و نصب جانبدارانه و برخورد سلیقه‌ای با سیاست‌ها سبب شده است که اقتصاد کشور از ثبات و پایداری لازم جهت سرمایه‌گذاری خارجی محروم شود.^۱

لذا، وجود تصویری روشن و واضح از سیاست‌ها و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی یک پیش‌فرض مهم دیگر برای حضور یک سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد و یا بخش کلان یک کشور به حساب می‌آید. وضعیت موجود مناطق آزاد کشور ما در این زمینه، شاید مثال خوبی باشد، چراکه سازمانهای مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران تلاش زیادی را به کار می‌برند تا بتوانند سهمی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به خود اختصاص

^۱ - رهبر، فرهاد؛ موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصاد ایران، مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۸۱، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۷.

دهند، اما عملاً این تلاش‌ها به نحو مطلوب نتیجه نمی‌دهد و علت آن‌هم این است که مقررات سرمایه‌گذاری مناطق آزاد و فرآیندهای مرتبط با آن نظیر چگونگی نقل و انتقال ارز، شناور بودن و کنترلی بودن نرخ ارز، نحوه عملیات بانکی برون‌مرزی (خارج از مقررات و سیاست‌های پولی و بانکی کشور) و بسیاری از مسائل دیگر هنوز روشن نیست و بالطبع وقتی عنوان میشود که (تصویر واضح از سیاست‌ها و مقررات، یک پیش‌فرض برای سرمایه‌گذاری خارجی است)، بالطبع این وضعیت به‌عنوان عامل نارسایی فعالیت‌های جذب سرمایه خارجی جایگاه ویژه می‌یابد.

از این‌رو، قانون‌گذاران کشورهای دارای مناطق آزاد تجاری-صنعتی صرفاً به تصویب کلیات و چارچوب کلی وظایف و اختیارات آن‌ها می‌پردازند و اختیار تدوین مقررات اجرایی و جزئی را به ارکان تصمیم‌گیرنده آن مناطق واگذار می‌نمایند تا از یک‌طرف به‌صورت مجزا و مستقل از دولت مرکزی و بدون اطاله وقت و فارغ از بوروکراسی و مراحل پیچیده و دست و پاگیر قانون‌گذاری، اقدام نمایند و از طرف دیگر با تصویب مقررات، برحسب ضرورت و مقتضیات زمانی و مکانی؛ با در نظر گرفتن وقایع و اتفاقات و سیاست‌های اقتصادی روز دنیا بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن نسبت به اتخاذ تصمیم در خصوص تدوین، تغییر، اصلاح یا حذف مقررات جزئی و اجرایی خود و انطباق آن با تجارت جهانی عمل کنند.

نتیجه‌گیری

کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از ایرانی یا خارجی و سازمان‌های بین‌المللی طبق مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی می‌توانند به‌طور مستقل یا با مشارکت سازمان و شرکت‌های تابع آن و یا با مشارکت یکدیگر در مناطق آزاد، سرمایه‌گذاری کنند. در پژوهش حاضر، با محوریت مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران بنا داشتیم با

بررسی نحوه‌ی فعالیت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری در مناطق یادشده به این سؤال پاسخ دهیم که محدودیت‌های حقوقی شرکت‌های تجاری در مناطق یادشده چه مواردی است؟ در این مسیر دانستیم که منطقه آزاد تجاری، قلمرو معینی است که اغلب در داخل یا مجاورت بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز دانسته می‌شود و عمده اهداف ایجاد مناطق آزاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری است. سرمایه‌گذاری خارجی از عوامل عمده پیوند نظام اقتصادی بین‌المللی با اقتصاد داخلی کشورها، علی‌الخصوص کشورهای در حال توسعه و یا در حال رشد با اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و اقتصاد جهانی است.

در ادامه نتیجه گرفتیم که در حال حاضر نظام قانونی حاکم بر مناطق آزاد، در روابط بین سرمایه‌گذاران خارجی و نهادهای دولتی، بالأخص سازمان مناطق آزاد خواه در اختلافات قراردادی و خواه در اختلافات غیر قراردادی، سیستم حل اختلاف قابل‌اعتمادی وجود ندارد و سرمایه‌گذاران خارجی در اکثر مواقع ناگزیرند به دادگاه‌های محلی مراجعه نمایند و این موضوع می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل عدم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در مناطق آزاد ایران باشد. از سوی دیگر متأسفانه دولت ایران به کنوانسیون‌های حل‌وفصل اختلافات نپیوسته است که یکی از مهم‌ترین این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون راجع به حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع سایر کشورهاست که در سال ۱۹۶۵ در واشنگتن منعقد گردیده است. همچنین، هرگاه سرمایه‌گذاران خارجی، با اخذ مجوز سرمایه‌گذاری اقدام به ثبت شرکت نمایند، این شرکت بسته به میزان مندرج در مجوز صادره، می‌تواند حتی با مشارکت صد درصدی خارجیان، ثبت گردد؛ اما هرگاه فعالیت خارجیان بدون اخذ مجوز مذکور باشد طبق رویه‌ی عملی موجود، با توجه به تفسیری که اداره ثبت شرکت‌ها از اصل ۸۱ قانون اساسی به عمل می‌آورد، تنها تا ۴۹٪ مشارکت خارجیان پذیرفته می‌شود. مضافاً اینکه تضمینات موجود در مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاران خارجی چندان نیست که اعتماد آنان را برای سرمایه‌گذاری برانگیزد. یکی از تضمیناتی که در مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاران خارجی پیش‌بینی می‌شود، امکان ورود و خروج آسان سرمایه و سود حاصله از آن است. همچنین،

یکی دیگر از تهدیدهایی که متوجه سرمایه‌گذاری خارجی است و موجب عدم اشتیاق سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد خطر سلب مالکیت و ملی کردن دارایی خارجی است، لیکن در مقررات جمهوری اسلامی ایران از آنجا که در واقع ملی کردن دارایی، حق اساسی دولت است و حتی به وسیله قانون عادی نیز نمی‌توان از آن عدول کرد؛ بنابراین تنها روشی که باقی می‌ماند، امکان پرداخت خسارت به صاحب سرمایه است که این امر درباره مقررات سرمایه‌گذاری مناطق آزاد مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

سپس، در پژوهش حاضر دانستیم که مقررات حاکم بر موضوع انتقال سرمایه مناطق آزاد، تصریح دارد که سرمایه‌گذار خارجی هر زمان که مایل باشد، می‌تواند اصل و فرع منافع سرمایه خود را خارج نماید. در واقع عدم امکان خروج سرمایه از مناطق آزاد یکی از موانع سرمایه‌گذاری خارجی است در حالی که اختیار خروج و انتقال سرمایه از جمله مشوق‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌گردد که اجازه انتقال سرمایه توسط سرمایه‌گذاران در مقررات مناطق آزاد تجاری ایران نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. اما در ایران انتقال سود و سرمایه مشمول شرایطی است. یکی دیگر از مزایای موجود برای شرکت‌های ثبت‌شده در مناطق آزاد، مقررات حمایتی در خصوص واردات و صادرات است که بر اساس ماده ۱۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد این گونه بیان شده است:

« مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور پس از ثبت گمرکی از شمول مقررات صادرات و واردات مستثنا هستند و مقررات صدور و ورود کالا و تشریفات گمرکی در محدوده هر منطقه به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.»

بنا به مراتب، جهت اصلاح و تنسيق امور، پیشنهاد می‌گردد مقرراتی تدوین یابد تا با حساسیت بیشتر مانع مصادره سرمایه سرمایه‌گذار خارجی گردیده و از طرفی به منظور حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاران خارجی و دولت، سازوکار مناسب با توجه به قانون اساسی در جهت تسهیل تجارت در نظر گرفته شود. مضافاً از آنجا که وجود تصویری روشن و واضح از سیاست‌ها و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی یک پیش‌فرض مهم دیگر برای حضور یک سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد به حساب می‌آید، لذا ضرورت دارد قانون‌گذار اقدامات لازم را

جهت تدوین مقررات به صورت شفاف و منسجم در این خصوص معمول نماید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

منابع فارسی:

- ۱- ابراهیم‌خانی، حسین، بررسی تطبیقی حقوق کار در مناطق آزاد تجاری، انتشارات آریان، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- ۳- اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۱) مباحثی از حقوق تجارت بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر،
- ۴- افتخار جهرمی، گودرز و همکاران، قواعد حاکم بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد تجاری، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۱، ۱۳۹۸.
- ۵- بهروز اخلاقی، سخنی درباره آینده سرمایه‌گذاری در ایران، بررسی اجمالی علل و موانع پیشرفت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۴۷ (۱۳۷۹)،
- ۶- تفرشی، محمد عیسی. تضمین سرمایه‌گذاری خارجی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۶.
- ۷- تقی زاده خدیجه، «عملکرد مناطق آزاد تجاری- صنعتی کشور در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه»، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی، گزارش شماره‌های ۹ و ۱۳۸۹
- ۸- جهانگیر، منصور، محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دوران، ۱۳۷۷.
- ۹- حدادی مهدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، «شیوه‌های حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی»، ۱۳۷۵-۱۳۷۶.

- ۱۰- حسن پور، جعفر، راهبردهای اداره امور مناطق آزاد، تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۸.
- ۱۱- خلیلی، حلیمه، منطقه آزاد تجاری و امتیازات حقوقی موجود با گذری بر منطقه آزاد تجاری چابهار، اولین همایش بین‌المللی افق‌های توسعه در علوم انسانی، ۱۳۹۵.
- ۱۲- خلیلی، حلیمه؛ سلطانی، رضا؛ جلالی، محمود، تبیین مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری ایران و انطباق آن با اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۴۲، صص ۷۹ - ۱۰۰.
- ۱۳- رهبر، فرهاد؛ موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصاد ایران، مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۸۱، ۱۳۸۶.
- ۱۴- سیفی اردبیلی داود؛ فتحی نژاد شهرام، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲.
- ۱۵- شم‌آبادی، حسن. ۱۳۷۳، حقوق مرتبط با مناطق آزاد تجاری صنعتی پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۶- صادقی، محمد، تحلیل حقوقی - اقتصادی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران، فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۱۳، شماره ۴۷، ۲۳۹-۲۶۴، ۱۳۹۹.
- ۱۷- عوامل مؤثر بر عملکرد مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران/ دکتر فرج‌الله رهنورد، فرایند مدیریت و توسعه/ شماره ۷۴ / پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- ۱۸- کاویانی، کورش، اصل ۱۳۹ قانون اساسی و شرط داوری در قراردادهای مصوب مجلس، مجله پژوهش حقوق و سیاست ۵ (۱۳۸۰).
- ۱۹- کاویانی، کورش، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۲۰- لعیا جنیدی، قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶، چاپ اول، ۹۶.
- ۲۱- محمدی الموتی مسعود، مطالعه‌ای درباره مناطق آزاد و اثرات اقتصادی و بازرگانی آن، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول، ۱۳۷۴.

- ۲۲- محمود عرفانی، وضعیت حقوقی تاجر خارجی در بازرگانی، مطالعه تطبیقی در بلژیک، کانادا، ایتالیا، فرانسه، برزیل، لوکزامبورگ و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۶۲، ۱۳۸۲.
- ۲۳- مقدسی، علی‌رضا، مناطق آزاد-اصول و مفاهیم و کارکردها، راهکار مدیریت، ۱۳۸۹.
- ۲۴- هداوند، مهدی و فضل‌ی، عزیز اله، ماهیت حقوقی نظارت بر سازمان مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران، نشریه حقوق اداری، دوره ۵، شماره ۱۳، ۱۳۹۶.
- ۲۵- هزاوه‌ای، سید محمدمهدی. (۱۳۷۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چاپ پاسدار اسلام.
- 26- Kuznetsov, A. (1993) Promotion of Foreign Investment in Russia, Russian and East European Finance and Trade
- 27- Grubel, H. (1984) Free Economic Zones: Good or Bad Aussenwirtschaft, 39, Jahrgang